Kh\_Osul\_SMJShobeiri\_981024

بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

بحث در مفاد ضرر بود. عرض کردیم ظاهراً از مجموع عبارت‌های لغویین و نحوة استعمالات کلمة ضرر استفاده می‌شود که ضرر به معنای نقص و نقصان اینهاست.

یک نکته‌ای ممکن است اینجا به ذهن خطور کند که نقص دو مفعولی است، نقصتُ زیداً درهما. در خود همین روایت‌های لغویون این هست که فینقصه شیئاً من حقه. در تفسیر ضرر که هست ینقصه شیئاً من حقه. ضرر اینکه به صورت دو مفعولی استعمال بشود من خیلی شاهد روشنی ندیدم. یک سری مواردی که در آیات قرآنی هست که ممکن است تصور بشود دو مفعولی هست، یضرّوکم إلّا اذن. ممکن است شخصی بگوید کأنّ این از باب مبالغه می‌گوید هیچ نقصی در آنها ایجاد نمی‌کنند مگر نقصی که آن هم اذیت است. ولی نه اینها إلّا اذن ظاهراً مفعولٌ له هست. یعنی ضرری که می‌خواهند ایجاد کنند به جهت اذیت ایجاد کردند. صرفاً برای اینکه ایذاء بکنند.

بعضی مثال‌هایی که ضرر در آیات قرآنی دیدم. «وَ تَتَّقُوا لا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا». این شیئاً را ممکن است تصور کند مفعول دوم است، ولی مفسرین مفعول دوم نگرفتند. در کتاب‌های اعراب القرآن نگاه کنید شیئاً را مفعول مطلق گرفتند.

شاگرد: «فَلَنْ يَضُرَّ اللّهَ شَيْئًا»

استاد: «فَلَنْ يَضُرَّ اللّهَ شَيْئًا» در جدول ببینید.

شاگرد: شیئاً را کلاً مفعول مطلق می‌گیرند.

استاد: اینجور موارد، آیات قرآن که نگاه کردم کلمة شیئاً را چند جا دارد که شیئاً به کار رفته. جایی که ممکن است توهم بشود مفعول دوم هست. ولی اینها هیچکدامش را مفعول دوم نگرفتند. مفعول مطلق گرفتند. با توجه به گفتار مفسرین ممکن است بگوییم این دو تا با هم فرق دارد. ولی پاسخ این مطلب دو نکته است. یک نکته اینکه نقص دو تا استعمال دارد. یک استعمال یک مفعولی دارد و یک استعمال دو مفعولی دارد. ممکن است بگوییم ضرر مرادف نقص یک مفعولی است، نقصتُ زیداً یعنی زید را ناقص کردم. زید را یک نقصی درش وارد کردم. این نقصتُ زیداً لازم نیست مفعول دوم هم بگیرد، ضررتُ زیداً هم یعنی نقصی در او وارد کردم و یک جهتی از جهاتش را کم گذاشتم.

نکتة دوم اینکه ممکن است بگوییم که اصلاً همان ضرر نقص اینکه اینها می‌گویند ضرر نقص هست، یعنی نه اینکه دقیقاً مرادف نقص هست، عین آن هم استعمال می‌شود یعنی نقصی که دو مفعول می‌گیرد آن حالت مفعول دومش را در درون ضرر اندماج شده. اینکه می‌خواهیم بگوییم مرادف است نه، دقیقاً بخواهیم بگوییم جای همدیگر به کار برده می‌شود. یعنی همان مفادی که نقص دارد را همان مفاد را با اختلاف در شیوة کاربرد در کلمة ضرر می‌توانیم احساس کنیم. ما در خودمان در فارسی هم ضرر و نقص را که به کار می‌بریم مرادف نمی‌بینیم. به دیگری ضرر زده‌ام. یعنی یک نقصی در آن ایجاد کرده‌ام. ولی اینها فرق دارد. یعنی ضرر یک مرادف نمی‌بینم. یک مفهومش ببینید تغییر یافته می‌دیدیم. یک مفهومی هست که دقیقاً بگوییم مرادف نقص و امثال اینها به آن نیست. ولی شاید نزدیک‌ترین واژه‌ای که خود ضرر را بتوانیم به وسیلة آن تفسیر کنیم همین نقص باشد.

شاگرد: نقص نتیجة ضرر نیست؟

استاد: نه.

یک نکته‌ای را آقای سیستانی در بحث هیئت ضرر مطرح می‌کنند. صرفنظر از این بحث که هیئت هست، هیئت نیست، امثال اینها که به آن جهتش نمی‌خواهیم اصلاً بحث کنیم. ایشان می‌گویند ضرر اسم مصدر است. بر خلاف ضر که مصدر هست، ضرر اسم مصدر است، تعبیر ایشان این هست:

می‌گوید ضرر اسم مصدر است، اسم مصدر را که معنا می‌کنند: و الفرق بین المصدر و اسمه معنیً علی ما هو المحقق فی محلّه أنّ معنی المصدریة ضمّاً نسبةً تقییدیاً ناقصة کالنسبة التی تهویه ۸:۳۵ الاوصاف علی احد اُوْلَین و أمّا معنی الاثنی فهو نفس المعنی دون نسبة تقترن به فنسبة المصدر و الی اسم المصدر نسبة الایجاد الی الوجود فهما متحدان خارجاً مختلفان بالاعتبار. فمثلاً اذا لوحظ العلم کمعنیً خاص من غیر لحاظه منسوباً الی عالمٍ او معلومٍ کما فی المفعول المطلق حیث لو یقال علمتُ علماً کان معنیً اثنیا فإذا لوحظ منسوباً الی العالم مثلاً کما فی قولنا علم زیداً بکذا محرز کان معناه معناً مصدریا.

این یک عبارتی که اینجا ایشان مطرح فرمودند. یک عبارتی هم در بحث در هیئت ترکیبیه و اینها، صفحة وارد می‌شوند. تعبیرشان این هست که الضرر معنیً اسم مصدری یعبّر عن المنقصة النازلة بالمتضرر من دون اهتواء ۹:۵۴ نسبة صدوریة کالاضرار و التنقیص.

نکتة اوّل اینکه ضرر اسم مصدر هست یا اسم مصدر نیست. یک نکته.

نکتة دوم اینکه نتیجة این اسم مصدر بودنش این تفسیری که آقای سیستانی می‌کنند درست است یا درست نیست.

در کتاب‌های لغت یک سری کتاب‌ها تصریح کردند که ضرر اسم است، ظاهراً اسم مصدر.

در صحاح، جلد ۲، صفحة ۷۱۹ دارد: الضرّ خلافٌ النفع فقد ضرّه ضارّه بمعنی و الاسم الضرر.

در شمس العلوم، جلد ۶، ‌صفحة ۳۸، ۸۹ دارد: الضرر الاسم من ضرّ یضرّ قال الله تعالی غیره للضرر.

لسان العرب، جلد ۴، صفحة ۴۸۲: قوله لا یضرّهم کیدهم من الضرر و هو ضدّ النفع و المضرّ خلاف المنفعة و ضرّه یضرّه ضرّاً و ضرّ به و اضرّ به و ضارّه و مضارّةً و ضراراً بمعنا و الاسم الضرر. و روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم أنّه قال لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام.

مصباح المنیر، جلد ۲، صفحة ۳۶۰: و فی التنزیل مثّنی الضر ای المرض و الاسم الضرر و قد اطلق علی نقص یدخل فی الأعیان و رجل ضریر به ضرر من ذهاب عینٍ او ظناً.

البته در بعضی کتاب‌های لغت از آن استفاده می‌شود که ضرر مصدر است.

در جمهرة اللغة، جلد ۲، صفحة ۱۰۰۷ همین دارد که ضرر مصدرٌ.

از عبارت مخصّص، جلد ۱۲، صفحة ۲۴۰ هم همین مطلب استفاده می‌شود که تعبیرش این هست، از ابو عبید نقل می‌کند: الضر ضد النفع، ضرّه یضرّه ضراً و ضرراً و مضرةً که ظاهرش این است که اینها ضراً و ضرراً و مضرةً به یک معنا هست.

در اساس البلاغه هم می‌گوید: ضرّه ضرراً و ضارّه ضراراً. ضرراً را اینجوری آورده.

ظاهراً از اینها استفاده می‌شود که اینها مصدر است. رسم این هست که اینها را مصدر را بعد از فعل بیاورند.

در جمهرة اللغة، جلد ۲، صفحة ۱۰۰۷ که دیگر تصریح می‌کند الضرر مصدر.

این اختلاف تعبیر در کلمات لغویین هست.

شاگرد: جمهرة قرن چندم است؟

استاد: جمهرة، برای ابن دُرِیْد است. ابن دُرِیْد سیصد و هفتاد و خورده‌ای است. دقیق یادم نیست ولی حدود قرن چهار است.

شاگرد: ۳۲۱

استاد: بله اوایل قرن چهار است. ابن سیبویه گمان کنم قبل از اینهاست.

تهذیب اللغة برای حدود ۳۴۰ است.

شاگرد: تاریخ وفات ابن سیبویه را ۳۹۸ تا ۴۵۸ بعد از اینهاست.

استاد: بعد از اینهاست. ازهری مثل اینکه ۳۴۰ است.

شاگرد: ازهری ۳۷۰

بعد العین مثل اینکه.

استاد: آن که از همة اینها جلوتر بود جمهره بود، ۳۲۱. ابن فارس هم سیصد و نود و خرده‌ای است انگار.

شاگرد: ابن فارس ۳۹۵

استاد: البته مخصص نکته‌ای که بود از ابو عبید نقل می‌کند. ابو عبید ۳۲۳-۳۲۴ یا دویست و خرده‌ای است. ابو عبید ۲۲۳ بعضی‌ها گفتند، بعضی‌ها ۲۲۴ گفتند. آن که در اینها هست که قدیمی‌تر از همة نقلیاتی که ما داریم نقل از ابو عبید است که مخصص مطلب را از ابو عبید نقل کرده. علی ای تقدیر عبارت‌ها این شکلی‌اند. بنابر اینکه بگوییم ضرر را اسم مصدر دانستند، نه ظاهر بعضی از عبارت‌هایشان این است که ضرر مصدر است. شاید هر دویش باشد. در کلمات عربی معمولاً مصدر و اسم مصدر، حتی آقای سیستانی هم اشاره می‌کنند که می‌گوید معمولاً مصدر و اسم مصدر با هم یک کلمة واحد، هم مصدر است هم اسم مصدر است در عربی.

آقای سیستانی این مطلب را که اشاره می‌فرمایند که فرق بین مصدر و اسم مصدر این است که اسم مصدر نسبتی که به فاعل هست آن نسبت منسلخ می‌شود. این مطلب در کلمات لغویون هست، ظاهراً هم درست است. ولی ازش یک نتیجه‌ای گرفتند که آن نتیجه اشتباه است. ایشان می‌گویند فرق بین مصدر و اسم مصدر کالایجاد و الوجود است. کأنّ ایجاد مصدر هست، وجود اسم مصدر هست. بعد یک جای دیگر هم تعبیر می‌کنند که ضرر به اعتبار اینکه معنای اسم مصدری است، یعبّر عن المنقصة النازلة بالمتضرر. منقصة که به متضرر نازل هست در آن هست.

ما یک تضرر داریم، تضرر یک مصدری می‌تواند داشته باشد.

تضرّرَ داریم. یک ضرَّ به معنای ضرر زدن. هر دوی اینها هم مصدر دارند هم اسم مصدر. من حالا فارسی‌اش را تعبیر بکنم تا عربی‌اش روشن بشود.

ما در فارسی یک آسیب رساندن داریم، یک آسیب‌رسانی داریم. یک آسیب دیدن دادیم، یک آسیب بینی داریم. آسیب‌رسانی منقصتی نیست که به متضرر نازله می‌شود. آسیب‌رسانی اسم مصدر است. ولی همین اسم مصدر حالت فاعل است. یک موقعی ما آن حالت فاعل را نسبتش را به فاعل در نظر می‌گیریم یک موقعی نفس آن وصفی که متعلّق فاعل است را در نظر می‌گیریم بدون اینکه آن انتسابش به فاعل را در نظر بگیریم. یکی از مثال‌هایی که ایشان زده در مورد مصدر و اسم مصدر در فارسی کشتن و کشتار است. کشتار کار مقتول نیست، کشتار کار قاتل است ولی همین کار قاتل، کشتن انتسابش به فاعل را ملاحظه می‌کنیم، یک موقعی انتسابش به فاعل ملاحظه نمی‌کنیم. این دو تا با همدیگر خلط شده. تصور شده که ضرر اسم مصدر تضرّر است. ضرر اسم مصدر هم باشد اسم مصدر ضرَّ است و ضرَّ به معنای ضرر رساندن است. اسم مصدرش می‌شود ضرر رسانی. نفس اسم مصدر بودن ملازمة با این مطلب ندارد که منقصتی که نازل به متضرر باشد.

شاگرد: در فارسی اسم مصدر می‌گویند با چیزی که در عربی می‌گویند اسم مصدر در نحو عربی گویا یک تفاوت‌هایی دارد و نمی‌شود یکی گرفت.

استاد: یک چیزهایی دارد. یک رساله‌ای دکتر معین نوشته در مورد اسم مصدر و حاصل مصدر. رسالة مفصلی هست. این رساله تفاوت‌هایی که بین اسم مصدر و حاصل مصدر گذاشته عمدتاً تفاوت‌های لفظی بازگردانده. بحث‌های خیلی مفصلی در رسالة دکتر معین ببینید. بین اسم مصدر و حاصل مصدر هم با وجودی که چیز هست تفاوت‌هایی که می‌گذارد بیشتر تفاوت‌های لفظی است نه تفاوت‌های محتوایی. بحث مفصلی که آنجا دارد خیلی من عمیق ندیدم. در حد خودش مفصل است، چیزی حدود ۴۰-۵۰ صفحه است. یک چیز عمیقی که دقیقاً چیز را تحلیل کرده باشد در آن ندیدم.

شاگرد: غُسل و غَسل

استاد: غُسل یعنی شستن، غَسل یعنی شستشو. شستشو نه به معنای آن حالتی که در مغسول هست. حالت غاسل است. یک موقعی می‌گوییم پاک کردن. مثلاً تعبیر تطهیر را به کار ببرم. یک تبعیر داریم پاک کنندگی و پاک شوندگی. پاک کنندگی اسم مصدر پاک کردن است. باید همان نه پاک شدگی.

شاگرد: غُسل اسم مصدر برای اغتسل است.

استاد: آن مهم نیست. برای اغتسل باشد یا غَسَل باشد. غسل و اغتسل از آن جهت تفاوت آنچنانی ندارد.

شاگرد: اسم مصدر برای فعل برای ثلاثی مزید.

استاد: نه اینجور نیست. تازه اگر اسم مصدر برای ثلاثی مزید باشد اسم مصدر بر ضرار گرفتند، اگر عبارت‌های خواندم. چون بعد از ضارّه و ضراراً گفتند. ضارّه مضارّةً ضراراً بمعنی و الاسم الضرر. اگر هم باشد اسم مصدر مضارّة و ضرار است، نه اسم مصدر. آن خیلی مهم نیست که آیا ثلاثی مجرد باشد یا ثلاثی مزید.

موارد استعمال ضرر را، نکاتی دارد برمی‌گردم در موردش صحبت می‌کنم.

موارد استعمال ضرر را که ملاحظه می‌کنیم این موارد بعضی موارد دقیقاً روشن هست که وصف متقوّم به ضارّ را ضرر در موردشان به کار برده شده. می‌گوید: اذا ادرک الرطب. یک مواردی که اینجا یادداشت کردم برایتان می‌خوانم. اذا ادرک الرطب و نزجه ذهب ضرر الباذمجان. وقتی رطب می‌رسد و پخته می‌شود یعنی زمان خرماپزان ضرر بادمجان می‌رود. ضرر بادمجان یعنی چی؟ یعنی ضرر دیدن بادمجان یا ضرر زدن بادمجان؟ ضرر زدن بادمجان. ضرری که بادمجان به آکل می‌رساند آن از بین می‌رود. محاسن، جلد ۲، صفحة ۵۲۵، حدیث ۷۵۵.

و امنعنی من کل عملٍ او فعلٍ او قولٍ یکون منّی اخاف ضرر عاقبته. از ضرر عاقبت آن کار. یعنی عاقبت آن کار متضرر می‌شود یا عاقبت آن کار ضرر می‌زند. ضرر می‌زند دیگر. کافی، جلد ۴، صفحة ۷۳، رقم ۳.

لا الضرر هؤلاء علی هذه الأمة اشد من ضرر الترک و الدیلم. کافی، جلد ۵، صفحة ۱۰۸، رقم ۱۱.

خیر تومورکم البرنی لا ضرر له. بُرنی ضرر ندارد، یعنی آسیب نمی‌رساند. کافی، جلد۶، رقم ۵.

ولی از آن طرف یک سری استعمالاتی هم داریم که ضرر آن منقصتی که متوجه متضرر می‌شود به کار رفته. در آن مطلب هم به کار رفته، آن این است. اربعة لا یدخل علیهم ضررٌ فی المیراث، الوالدان و الزوج و المرأة. کافی، جلد ۷، صفحة ۸۲، رقم ۳.

فاصابه ضررٌ. یعنی تضرری، کافی، جلد ۷، صفحة ۲۹۱، رقم ۴.

یک عبارتی هم که می‌گوید ما ینفع الرجز. شعر معروف دعبل است،

قبران قبر خیر الناس کل فشرّهمو هذا من العبری ما ینفع الرجز من قرب الزکی و لا علی الزکی بقربه برجز من ضرره، که بالای حرم امام رضا این را نوشتند. امالی صدوق، مجلس ۹۴، حدیث ۱۶. عیون، جلد ۲، صفحة ۲۵۱.

لا علی الزکی بقربه برجز من ضرره یعنی به وسیلة قرب رجز تضرری متوجه زکی نمی‌شود.

فاصابه من ذلک ضرر شدید. علل الشرایع، جلد ۲، صفحة ۳۶۶.

دو جور استعمال دارد. هم استعمالی که آن منقصتی ناظر بر متضرر هست استعمال می‌شود هم از آن طرف.

در کلمات لغویین را هم که دقت کنید هر دو جور استعمال هست. هر دویش در کلماتشان هست و معانی مختلفی که برای ضرر هست، بعضی‌هایشان از فروع معنای ضرر به اعتبار حالتی که متقوم به ضارّه است، بعضی از فروع ضرر به اعتبار حالت متقوّم بالمتضرر هست.

معنی قوله لا ضرر ای لا یضرّ الرجل اخاه. لا ضرر که می‌خواهد معنا کند می‌گوید لا یضرّ الرجل اخاه، این آسیب‌رسانی معنا کرده.

اما بعضی جاها می‌گوید الضرر نقصانٌ یدخل فی الشیء. عبارتی هست که در اصلش کتاب العین، جلد ۷، صفحة ۷ هست، بعد از آن در کتاب محکم، جلد ۸، صفحة ۱۴۸ وارد شده.

در تهذیب، الضرر النقصان تقول دخل علیه ضرر فی ماله، جلد ۱۱، صفحة ۳۱۴.

در محیط هم الضرر نقصان یدخل فیه الشیء، محیط، جلد ۷، صفحة ۴۲۹.

ضرر گاهی اوقات معنا می‌کنند ضرر به معنای مرض. ضرر به معنای سوء حال. اینها معانی از فروع، ضرر بر تضرر است. یعنی یکی از مصادیق تضرر سوء حال است. مصادیق تضرر ضیق است. مصادیق تضرر قحط و شدت و امثال اینهاست.

نمی‌خواهم، حتی ممکن است بگوییم که ضرری که به معنای نقصان هست به وضع تعیّنی ممکن است به این معانی رفته باشد. من اصرار ندارم بگویم سوء حال معنای مجازی هست. ممکن است معنای حقیقی باشد. ولی معنای حقیقی طولیه است. یعنی معنایی هست که به اعتبار اینکه ضرر به معنای تضرر هست، به تناسب گاهی اوقات یک تضرر خاص وضع تعیّنی متوجه او می‌شود. یعنی وضع تعیّنی پیدا می‌کند، فروعی که تعبیر می‌کنم، یعنی فروع ولو به اعتبار وضع تعیّنی، یا معنای مجازی متفرّع بر آن معنا هست. این است که در کتاب‌های لغت هر دو جور مورد هست. هم به معنای ضرر زدن، هم ضرر دیدن.

آیا واقعاً ضرر به معنای مشترک لفظی بین آسیب‌رسانی و آسیب‌بینی هست؟ به نظر می‌رسد یک معنای جامعی داریم. که این معنای جامع در هر دو مورد به کار می‌رود و آن آسیب است. آسیب یک معنای جامعی هست از حالتی که نسبت به ضارّ هست یا حالتی که نسبت به متضرّر هست. در فارسی که ضرر به کار می‌بریم یک موقعی همین ضرر فارسی را شما در نظر بگیرید، یک موقعی می‌گوییم این معامله ضرر دارد. ضرر این معامله زیاد است. یک موقع می‌گویم من در این معامله ضرر کردم. ضرر من در این معامله. هر دو استعمال. دقیقاً ضرر در فارسی هم به هر دوی این معنا به کار می‌رود. هم به معنای متضرر شدن، هم به معنای ضرر زدن.

شاگرد: مصدری، اسم مصدری

استاد: بحث مصدری و اسم مصدری‌اش را فعلا رویش تکیه ندارم. بحث من روی این تکیه‌اش است که آیا اسم مصدر آسیب رساندن و آسیب‌رسانی. فرض کنید اسم مصدر، خود اسم مصدری هم که مربوط به این واژه است دو تا اسم مصدر داریم. یکی آسیب‌رسانی، یکی آسیب‌بینی. ضرر به معنای آسیب‌رسانی است یا آسیب‌بینی است؟ به نظر می‌رسد هر دو استعمال دارد. هم آسیب‌رسانی به کار می‌رود، هم آسیب‌بینی به کار می‌رود. این شاید جمع بین اینها این باشد یک معنای جامعی هست که به تناسب نحوة استعمالات تعیّن در یکی از معانی پیدا می‌کند. اینجور هم نیست در جامع به کار برود. آن جامع به این معنایی که هم آسیب رساندن و آسیب‌بینی در مورد استعمال به کار برود اینجوری نیست. یک جوری هست، آسیب خود همین آسیب را من می‌گویم آسیب این معامله شدید بود. یک موقع می‌گویم آسیب من در این معامله شدید بود. آسیب این تصادف شدید بود. یا آسیب من در این تصادف شدید بود. این معنایی که نهایتاً در این دو جمله به کار می‌رود دو تا معنای مختلف است. جامع نیست. نمی‌دانم این را چجوری باید تعبیر کرد. باید این را بگوییم که اشتراک لفظی تعبیر بکنیم یا یک نوع استعمال از باب وضع عام موضوع له خاص. یعنی لفظ ضرر به کار رفته بر حالتی که متوجه ضارّ است یا متوجه متضرر هست، آن چیزی که در موارد استعمال به کار می‌رود. در موارد استعمالش دو تا استعمال در جامع استعمال نمی‌شود. گاه به معنای حالت متقوّم ضار به کار می‌رود گاه به معنای حالت متقوم بالمتضرر به کار می‌رود. این تعدّد آیا به وضع واحد است؟ یا به وضعین هست؟ آن خیلی مهم نیست. ولی عمده این هست که در مقام استعمال ضرر دو جور استعمال دارد. در جامع هم استعمال نمی‌شود. جامعش، یک جامعی نیست که بخواهیم در آنها این استعمال.

شاگرد: استعمال مصدری‌اش را نمی‌گیرد؟

استاد: مصدری و غیر مصدری خیلی مهم نیست. این جهتش خیلی مهم نیست. انتساب به فاعل و عدم انتساب به فاعل در این بحث خیلی اثر ندارد. فرقی که در این بحث هست آن این است که وصف قائم به ضار باشد یا وصف به قائم به متضرر. آقای سیستانی گفتند اگر اسم مصدر باشد وصف قائم به متضرر است. مصدر باشد وصف قائم به ضارّ است. اینجور نیست.

شاگرد: استعمال مصدری هم داریم؟

استاد: آنها خیلی نظره هذه. آنها ظاهراً مصدر است. چون علی و اینها متعدی می‌شود. لضرر هؤلاء علی هذه الامة. علی هذه الامّة متعلّق به ضرر است. ضرره علی این ظاهراً استعمالات مصدری است. روی آن حیثیتش خیلی نمی‌خواهم اصلاً تکیه کنم. چون خیلی مهم نیست این را. آن تفاوت بین اینکه آیا ضرر نسبتش به محلش. محل مرادم ما یتقوم به الوصف است. مصبّ. محلّ دو جور به کار برده می‌شود. گاهی اوقات محل وصف به اعتبار آن مسند الیه به کار برده می‌شود. گاهی اوقات آن جایی که این وصف روی واقع می‌شود. این مراد من از محل آن مسند الیه این وصف است. مسند الیه وصف ضرر گاهی اوقات ضارّ است، گاهی اوقات مسند الیه‌اش متضرر است و هر دو جور استعمال هم داریم و بحث. این را بفرمایید یک نحو. این را خیلی نمی‌خواهم تحلیلش هم بکنم.

شاگرد: این دو مدل استعمال را خود آقای سیستانی آورده بودند بر علیه ضرر.

استاد: اینها را من یادداشت کردم. از حاشیه‌هایی که در حاشیه‌های کتاب زدم. ما حقیقت می‌فهمیم هیچگونه. در فارسی دقیقاً همین دو استعمالی که در عربی هست در فارسی هم به کار می‌بریم. ما می‌گوییم ضرر این معامله برای من زیاد بود. این ضرر یعنی آسیب‌رسانی. یک موقعی ضرر من در این معامله زیاد بود. یعنی آسیب دیدن. ما ضرر را در هر دو معنا در فارسی. دقیقاً همان دو معنایی که در عربی به کار برده می‌شود، ضرر در فارسی هم دقیقاً در همان دو معنا هم به کار برده می‌شود.

شاگرد:

استاد: جامع به معنای اینکه فرض کنید اگر ما در معنای جامع به کار نمی‌بریم. شما می‌گویید ضرر زید زیاد است. ضرر زید یعنی ضرر زدن زیاد است یا ضرر دیدن زید زیاد است یا هر دوی‌اش؟ هر دو را به کار نمی‌برید. ضرر زید زیاد است یعنی اینکه.

شاگرد: معامله ضرری است.

استاد: ضرر معامله. «ی» ضرری را کنار بگذارید. ضرر این معامله زیاد است. معامله که متضرر نمی‌شود، معامله ضارّ است. ولی آن شیءای را که هر دویش می‌تواند. ضرر زید زیاد است. ضرر زیاد است یعنی چی؟ یک معنایش این هست که زید خیلی ضرر می‌رساند. یک موقعی این هست که زید خیلی ضرر می‌بیند. ولی در جامع به کار می‌برید؟ نمی‌برید دیگر. هم ضرر زدنش هم ضرر دیدنش. معنایش این است اگر معنای جامع باشد یعنی هم ضرر زدنش زیاد است هم ضرر دیدنش. چون اینها دو لحاظ متفاوت است. چون متعلّق‌هایش یکی‌اش مقوّمش ضار است، یکی‌اش مقوّمش متضرر است، یک جامعی که اعم از اینکه متقوّمش ضار باشد یا متقوّم به این معنای جامع هیچ وقت استعمال نمی‌شود. استعمالاتش را شما در نظر بگیرید در معنای جامع هیچ وقت استعمال نمی‌شود.

شاگرد: صدمه و اینها همین است؟

استاد: صدمه. در فارسی آسیب. آسیب معامله یا آسیب من در معامله؟ اما فرض کنید می‌گوییم آسیب زید. آسیب زید یعنی چی؟ آسیب زید مردد بین اینکه آسیبی که زید به دیگران می‌زند یا آسیبی که زید خودش می‌بیند. اما اعم از اینکه آسیبی که به دیگران بزند یا آسیبی که خودش ببیند استعمال نمی‌شود. آسیب در آن معنای جامعی به معنای اعم از اینکه آسیبی که به دیگران بزند یا آسیبی که خودش ببیند به کار برده نمی‌شود. علی ایّ تقدیر در موارد استعمال کلمة آسیب و ضرر گاه به معنای آسیب رسانی گاه به معنای مرادف آسیب‌رسانی به کار می‌رود، گاه به معنای مرادف آسیب‌بینی به کار می‌رود. و اینکه به معنای جامع به کار برود آنجور نیست. اما حالا چطور شده که در این دو معنا به کار رفته آن خیلی تحلیلش شاید مهم نباشد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

[پایان]